



اثر تعدیل‌کنندگی نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی و اعتباری با عملکرد بانک‌ها

دکتر مهدی مران‌جوری^۱

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جالوس

(تاریخ دریافت: ۱۷ بهمن ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۳ خرداد ۱۴۰۰)

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی و اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در راستای این هدف، ۱۰ بانک به عنوان نمونه در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۷ انتخاب شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چند متغیره و آزمون t مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه منفی معناداری وجود دارد، علاوه بر این، بین ریسک اعتباری با عملکرد بانک‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. سپس تاثیر نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی و اعتباری با عملکرد بانک‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تاثیر مثبت و معناداری دارد؛ ولی نظام راهبری بر رابطه بین ریسک اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی: نظام راهبری، ریسک نقدی، ریسک اعتباری.

¹ mr.maranjory@gmail.com

مقدمه

صنعت بانکداری از مهمترین بخشهای اقتصادی هر کشور محسوب می شود. بانک ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی شمرده می شوند. بانکداری در اقتصاد ایران نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل این بانک ها هستند که عهده دار تأمین مالی بلند مدت می باشند. با توجه به نقش بانک ها در اقتصاد، کارایی آنها نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. بانک ها نقش مهمی در انتقال منابع از واحدهای دارای پس انداز اقتصاد به واحدهای نیازمند این پس اندازها دارند. این فرآیند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین این واحدها صورت می گیرد. عملکرد سیستم بانکی در تخصیص بهینه ی منابع تحت تاثیر مستقیم سرمایه گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی است. با توجه به نقش مهم بانک ها در اقتصاد، نظام راهبری در بانک ها از اهمیت زیادی برخوردار است. سقوط انرون و مطرح شدن قانون ساربینز آکسلی، بحران مالی جهانی و رسوایی های بانکی اخیر در کشور از مهم ترین انگیزه های پژوهش در حوزه ی نظام راهبری بانک ها است. نظام راهبری بانک در برگیرنده ی سهامداران، مدیران، کارکنان و اعضای هیات مدیره است. نظام راهبری از دیدگاه سهامداران و مدیران همواره اهمیت زیادی داشته است، اما این موضوع در سال های اخیر توجه زیادی به خود جلب نموده است. از دلایل آن، رسوایی های اخیر مانند سقوط انرون، تیکو و وردکام و مطرح شدن قانون ساربینز آکسلی در سال ۲۰۰۲ است که مفاد آن بر افشای اطلاعات، پاسخگویی و نظارت دقیق بر هیات مدیره تاکید دارد. از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۵ که تا حدود زیادی مرتبط با خطرپذیری های اضافی بانکها بوده است و همچنین رسوایی های بانکی اخیر در کشور نیز می توان نام برد که دلایل اصلی آن، ضعف سیستمهای کنترل داخلی و نظارتی موجود در سازوکارهای نظام راهبری سیستم بانکی است. بانکها در محیط منحصر به فرد نظارت عمومی و مجموعه ای از قوانین و مقررات بانکی فعالیت می کنند. چارچوب نظام راهبری (حاکمیت شرکتی) در بانکها به مراتب پیچیده تر از سایر شرکت ها است [۷]. به دنبال تشکیل شرکت های بزرگ و طرح موضوعاتی مهم در رابطه با نحوه اداره آنها، مسائل مربوط به تفکیک مالکیت از مدیریت در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در سطح جهانی مطرح شد. موضوع نظام راهبری به شکل کنونی ابتدا در دهه ۱۹۹۰ انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیات مدیره در عملکرد شرکتهای بزرگ مطرح شد. بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷ نگاه ها برای نخستین بار معطوف به نظام راهبری در بانکها شد به طوری که بانک ها و موسسات مالی در سراسر جهان، به اهمیت بالای نظام راهبری پی بردند و در اجرای اصول نظام راهبری در بانک ها تاکید کردند. در این راستا، کمیته نظارتی بال اولین نسخه دستورالعمل در ارتقای نظام راهبری در واحدهای بانکی را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که پایه و اساس اصول نظام راهبری سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ شد [۸]. امروزه بانک ها نقش اصلی تأمین مالی کشورها را علی الخصوص در کشورهای در حال توسعه برعهده دارند و با عنایت به ارتباط سیستم بانکی و کل بخش های اقتصاد، برقراری نظام راهبری در بانک ها دارای اهمیت است. البته برقراری نظام راهبری در بانک ها متفاوت از

برقراری آن در سایر نهادهای مالی می‌باشد [۱۳]. پیچیدگی فعالیت‌های بانک‌ها، عدم تقارن اطلاعات را افزایش می‌دهد و قدرت نظارت سهامداران را بر مدیریت بانک‌ها کاهش می‌دهد. بنا براین استقرار اصول حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ضروری به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به بهبود عملکرد بانک کمک نماید، اما برقراری و اجرای نظام راهبری خوب بدون برقراری مکانیسم کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیأت مدیره مستقل و سهامداران امکان‌پذیر نیست [۴]. فعالیت‌های بانکی ذاتا دارای ریسک هستند و دو ریسک مهم در این زمینه عبارت‌اند از ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی [۵]. در حالی که ریسک اعتباری به بازپرداخت نشدن وام‌ها از سوی مشتریان مربوط می‌شود [۶]، ریسک نقدینگی به کاهش محسوس در خالص جریان وجوه بانک و ناتوانی بانک در پاسخ به تعهداتش در قبال مشتریان خود بازمی‌گردد. حاکمیت شرکتی باعث ثبات سیستم بانکی و کاهش ریسک می‌گردد که این ثبات باعث بهبود عملکرد نظام بانکی می‌گردد. یک سیستم بانکی با ثبات، واسطه مالی کارا ایجاد می‌کند و آن را قادر می‌سازد که در تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری‌ها موفق‌تر عمل نماید و در نتیجه می‌تواند باعث بهبود رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری شود. وجود سیستم بانکی با ثبات باعث افزایش کارایی عملکرد بانکی و بهبود توزیع منابع در اقتصاد می‌شود [۱۱]. با وجود توسعه و پیشرفت بانکداری در عرصه‌های مختلف معوقات بانک‌ها و ریسک اعتباری ناشی از آن نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش نیز یافته است و همگی آنها ناشی از مدیریت ناکارآمد ریسک اعتباری می‌باشد. بسیاری از بحران‌های مالی که امروزه شاهد آن هستیم بعلاوه بحران نقدینگی است. ورشکستگی بسیاری از شرکت‌ها و موسسات پولی و مالی و بحران‌های سال‌های اخیر که اغلب بانک‌های جهانی را در بر گرفتند و به تبع آن تغییرات شدید قیمت سهام در بازارهای مالی همگی موثر از عدم مدیریت کارا و اثربخش ریسک نقدینگی می‌باشد. با توجه به اهمیت ریسک نقدینگی و اعتباری انجام تحقیق در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر نظام راهبری بر رابطه میان ریسک نقدینگی و اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

اهمیت بررسی رابطه مهمترین ریسک‌های مطرح در صنعت بانکداری (ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی) بر کارایی بانک‌ها و میزان تأثیرگذاری هر یک از این ریسک‌ها در اتخاذ تصمیمات و تدابیر مدیریت بانک‌ها به منظور مرتفع نمودن ریسک‌های مذکور و تخصیص منابع بهینه برای ارتقاء سطح کارایی و سودآوری بانک‌ها، قابل توجه است. پدیده بحران مالی، مقوله‌ای که خود پیامد و اثر سوءرفتارهای اقتصادی قدرت‌های پولی جهان می‌باشد، با رکود شدید در بازارهای سهام، کاهش قیمت نفت، کاهش تولیدات صنعتی، ورشکستگی بانکها و بنگاههای صنعتی بزرگ و در نهایت کاهش ثروت و بیکاری شدید مردم و در یک کلام با کاهش شدید رشد اقتصادی و در نهایت بی‌ثباتی اقتصادی همراه می‌باشد. به طور کلی با آنکه ذات حرفه بانکداری به علت ویژگیهای خاص خود همواره مستعد دریافت انواع ناپایداریها از جمله بحران‌ها می‌باشد، لیکن از عوامل ساختاری فضای مالی بانک‌ها که موجبات ایجاد بحرانهای مالی - بانکی را فراهم می‌

آوردند می توان به جهش اعتبارات یا وام دهی بی قاعده توسعه سریع میزان اعتبار در کوتاه مدت، عدم تطابق دارایی و بدهی و ناتوانی سیستم بانکی در پرداخت دیون ناشی از ضعف در مدیریت نقدینگی اشاره نمود. همچنین بروز علائم و نشانه هایی مبنی بر حجم نامتعارف نقدینگی خلق شده در بازار به ویژه در بانکها می تواند نشانگر پیدایش و بروز بحرانی بالقوه در سیستم مالی قلمداد گردد. به طور کلی می توان گفت، از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی و ورشکستگی طلبکاران بارزترین شاخصه بروز بحران می باشد. به دلیل وجود بحران و عدم توانایی مالی بدهکاران که از بیکاری و یا کم درآمدی آنها نشات می گیرد، بانک ها با عدم دریافت مطالبات خود روبرو شده و در نتیجه ذخایر نقد آنها رو به کاهش نهاده و با افزایش ریسک نقدینگی قادر به ایفای تعهدات خود در قبال سپرده گذاران نمی باشند. نتیجه این که بحران مالی موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانک ها جهت بازپس گیری سپرده های خود می باشند. بررسی رابطه بین ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری، بر تصمیم گیری مدیران انکارناپذیر بوده و در حقیقت، توجه به کاربست آن می تواند در حل بسیاری از مسائل فرا روی آنها سودمند باشد. رشد و توسعه پایدار هر کشور مستلزم هدایت صحیح منابع مازاد پس انداز کنندگان به سمت سرمایه گذاری های مولد است. چنانچه منابع مازاد پس انداز کنندگان از طریق بازارهای پولی کارا به سوی سرمایه گذاران و کسانی که امکان استفاده بهینه از آنها را در جهت رسیدن به اهداف کلان اقتصادی داشته باشند، هدایت شود می توان امیدوار بود اهداف برنامه های مشخص شده برای اقتصاد کشور محقق شود و از آنجا که بیشترین حجم مبادلات اقتصادی کشور از طریق سیستم بانکی تحقق می یابد، کارکرد صحیح نظام بانکداری کشور نقش تعیین کننده ای در بهبود فعالیت های اقتصادی خواهد داشت [۳]. به عنوان بخشی از چارچوب کلی نظام راهبری، هیأت مدیره مسئول نظارت بر چارچوب سختگیرانه حاکمیتی ریسک می باشد. یک چارچوب حاکمیتی مؤثر ریسک مشتمل بر فرهنگ ریسک قوی، گستره ریسک پذیری شفاف و مدون در راستای بیانیه ریسک پذیری و تبیین مسئولیت های مدیریت ریسک به طور خاص و واحدهای کنترل آن به طور کلی، می باشد [۲]. در واحدهای بانکی، نظام راهبری را شیوه اداره امور تجاری دانستند که این امر شامل تدوین اهداف و ترسیم وضعیت ریسک یک بانک و نیز اولویت بندی فعالیت ها آنها با توجه به وضعیت ریسک واحد بانکی و صیانت از منافع سپرده گذاران و سایر افراد ذینفع می باشد. از اینرو هدف آن است که با چیدمان صحیح روابط و مناسبات در ساختار قدرت و تبیین دقیق اختیارات و مسئولیتها در سازمان؛ منابع را به گونه های کارا به کار گیرد، اهداف را به شیوه ای اثربخش محقق سازد و از همه مهمتر؛ منافع افراد ذینفع را به بهترین شکل ممکن تامین نماید. شاید به جرات بتوان گفت که هدف غایی نظام راهبری مؤثر، یافتن نقطه بهینه ای است که در آن، منافع اشخاص ذینفع به طور همزمان، در بهترین وضعیت خود قرار گیرد [۱]. فردوسی و فطرس [۱۰] به تحقیقی تحت عنوان "اثرات ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر عملکرد بانک ها" پرداختند. نتایج نشاندهنده تاثیر منفی ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر سودآوری بانک ها است. یافته دیگر پژوهش حاکی از این واقعیت است که شاخص تنوع دارای اثر منفی و شاخص های متمرکز و مدیریت هزینه ها اثر مثبت بر سودآوری داشته است. محسنی فر [۱۲] در پژوهشی تحت عنوان "حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک در بانک های

اسلامی" بیان داشت که اجرای استانداردهای حاکمیت شرکتی می‌تواند فرصتی مناسب جهت مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی فراهم کند. به همین دلیل، ضرورت اجرای استانداردهای مذکور در چارچوب بانکداری اسلامی اگر بیش از بانکداری متعارف نباشد از آن کمتر نیست. فرزین وش و همکاران [۱۱] در پژوهشی با بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی اظهار داشتند که متغیرهای حاکمیت شرکتی روی سودآوری بانک‌های منتخب دارای اثرات معناداری است و همچنین سطح معناداری این متغیرها بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته متفاوت می‌باشد. شیرین و همکاران [۹] به تحقیقی تحت عنوان "بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها" پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش آنها نشان داد که بین نسبت مالکیت مدیریتی و سودآوری بانک‌ها رابطه معنادار وجود دارد ولی بین سایر متغیرهای سودآوری بانک‌ها رابطه معنادار وجود ندارد. دیاز و هانگ [۱۶] در تحقیقی با عنوان "نقش حکمرانی در ایجاد نقدینگی بانک" بیان داشتند که آموزش مدیر عامل، ساختار جبران، شیوه‌های مترقی و مالکیت قابل توجهی بر نقدینگی بانکی دارند. با این حال، این اثر مثبت بیشتر در طول دوره بحران رخ می‌دهد و برای بانک‌های بزرگ که دارای نقدینگی بالا هستند و در نهایت تاثیر حکمرانی بر ایجاد نقدینگی در طول دوره بحران افزایش می‌یابد. جانگ و تینگ [۱۷] در پژوهشی تحت عنوان "بانک‌ها چگونه فاصله‌ها را بین ریسک‌ها ایجاد می‌کنند؟ نقش نظام راهبری" چنین بیان داشتند که نرخ اعتباری، نرخ بهره و ریسک نقدینگی با یکدیگر مرتبط هستند و تعاملات بین آنها می‌تواند توسط نظام راهبری و مقررات کاهش یابد. مولاه و لیلجیلوم [۱۸] در پژوهشی با عنوان "نظام راهبری و ویژگی‌های بانکی در اعتبار و بحران‌های بدهی - تاثیر قدرت مدیر عامل" اظهار داشتند که قدرت مدیر عامل دارای رابطه مثبت قابل توجهی با سودآوری بانکی و کیفیت دارایی دارد و همچنین متغیر عدم پرداخت ریسک، در طول بحران بدهی نقش مستقل دارد. بنابراین مدیران عامل قوی برای عملکرد بانک مضر نیستند. همچنین بیمه سپرده‌گذاری ممکن است به بحران اعتباری کمک کند. ابی و همکاران [۱۵] در مقاله‌ای تحت عنوان "مدیریت ریسک، ادراه شرکت‌ها و عملکرد بانک در بحران مالی" چنین اظهار داشتند که متغیرهای نظام راهبری استاندارد عمدتاً ناچیز هستند و با عملکرد بانک‌ها در طول بحران ارتباط منفی دارند.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- ریسک نقدینگی با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه دارد.
- ۲- نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل‌کنندگی دارد.
- ۳- ریسک اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه دارد.
- ۴- نظام راهبری بر رابطه بین ریسک اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع پژوهش های کاربردی است. هدف پژوهش کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. همچنین پژوهش حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع علی-همبستگی است و داده های آن از نوع رویکرد پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر، روش حذف سیستماتیک می باشد، بدین صورت که در هر مرحله از بین کلیه بانک های موجود، بانک هایی که دارای شرایط زیر نباشند، حذف شده و در نهایت کل بانک های باقی مانده جهت انجام آزمون انتخاب خواهند شد.

به منظور همگون بودن جامعه آماری پژوهش، محدودیت های به شرح زیر برای جمع جامعه آماری در نظر گرفته شده است:

۱- بانک هایی که پایان سال مالی آن ها ۲۹ اسفند باشد.

۲- اطلاعات مالی حسابرسی شده آن ها در دوره زمانی مورد بررسی وجود داشته باشد.

۳- بانک هایی که در طول دوره پژوهش فعال باشند.

با اعمال محدودیت های فوق نمونه آماری پژوهش تعداد ۱۰ بانک های باقی مانده انتخاب شده است. برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های ترکیبی استفاده می شود. به این صورت که برای انتخاب بین داده های ترکیبی و داده های تلفیقی از آزمون F لیمر و برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود. سپس برای تعیین معناداری ضرایب متغیرها از آماره t استیودنت استفاده می شود.

مدل و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آنها

برای انجام آزمون فرضیه های پژوهش، با توجه به در دسترس بودن اطلاعات، مدل های زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد:

مدل (۱)

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LR + \beta_2 CR + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 M/B_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 P_{it} + \epsilon_0$$

مدل (۲)

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LR_{it} + \beta_2 CR_{it} + \beta_3 CG_{it} + \beta_4 LR_{it} * CG_{it} + \beta_5 CR_{it} * G_{it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 M/B_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 P_{it} + \epsilon_0$$

متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به شرح زیر می باشند:

متغیر وابسته

بازده دارایی ها (ROA): به عنوان یکی از شاخص های عملکرد بانک محسوب می گردد که از تقسیم

سود خالص بر میانگین کل دارایی ها به دست خواهد آمد.

متغیرهای مستقل

ریسک نقدینگی (LR): یکی از متغیرهای مستقل پژوهش حاضر ریسک نقدینگی می‌باشد. ریسک نقدینگی در مورد بانک‌ها به دلیل کمبود و عدم اطمینان در میزان نقدینگی بانک ایجاد می‌شود. حالت دیگری که باعث افزایش ریسک نقدینگی می‌شود این است که بازارهایی که منابع بانک در آن قرار دارد دچار کمبود نقدینگی می‌شوند. ریسک نقدینگی با سایر ریسک‌های مالی مختلط است و به همین دلیل سنجش و کنترل آن با دشواری رو به رو است. در این پژوهش ریسک نقدینگی از طریق نسبت تسهیلات پراختی به مجموع سپرده‌ها محاسبه می‌گردد.

ریسک اعتباری (CR): یکی دیگر از متغیرهای مستقل ریسک اعتباری خواهد بود. هر چه مطالبات معوق بانک بیشتر باشد ریسک اعتباری بیشتر خواهد بود. منظور از مطالبات معوق مجموع حساب مطالبات مشکوک الوصول و حساب مطالبات معوق خواهد بود. بنابراین برای محاسبه ریسک اعتباری از نسبت مطالبات معوق به تسهیلات استفاده خواهیم کرد.

متغیر تعدیلگر

نظام راهبری (CG): در یک نگاه کلی نظام راهبری شامل ساختارهای کنترلی، حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌باشد که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کنند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارت‌اند از سهامداران و ساختار مالکیت ایشان، اعضای هیأت مدیره و ترکیباتشان، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذی‌نفع‌ها که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند. چک لیست محاسبه شاخص نظام راهبری بر اساس استانداردهای ISS و تحقیق‌گری و گوالز (۲۰۰۸) در قالب ۸ طبقه ۲۱ سوال به شرح جدول شماره ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. چک لیست سنجش شاخص نظام راهبری [۱۴]

ردیف	طبقه	سؤال
۱	افشا	۱- آیا بانک دعاوی حقوقی خود را بنا بر نظر حسابرس افشا نموده است؟ ۲- آیا صورت‌های مالی حسابرسی شده به موقع انتشار می‌یابد؟ ۳- آیا میزان پاداش مدیران در صورت‌های مالی افشا شده است؟
۲	اخلاق تجاری	۱- آیا جهت ترمیم محیط زیست توسط بانک اندوخته لازم در صورت‌های مالی لحاظ می‌شود؟
۳	آموزش	۲- آیا کارکنان و مدیران در برنامه‌های آموزشی تخصصی حضور بهم می‌رسانند؟ ۳- آیا مدیران در کلاس‌های آموزشی مسئولیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند؟

۴	رعایت الزامات قانونی	۱- آیا بانک فاقد معاملات ماده ۱۲۹ قانون تجارت ایران است؟ ۲- آیا بانک قوانین ماده ۱۲۹ را رعایت کرده است؟ ۳- آیا ماده ۲۳۸ قانون تجارت ایران در خصوص اندوخته قانونی به میزان ۵ درصد سود خالص رعایت شده است؟
۵	حسابرسی	۱- آیا حسابرسی داخلی وجود دارد؟ ۲- آیا گزارش حسابرس مقبول یا مشروط است؟
۶	مالکیت	۱- آیا درصد سهامداران نهادی بیش از ۵۰ درصد است؟ ۲- آیا درصد سهامداران عمده بیش از ۵۰ درصد است؟
۷	ساختار هیات مدیره	۱- آیا اکثریت اعضای هیات مدیره با مدیران غیر موظف است؟ ۲- آیا تعداد اعضای هیات مدیره بین ۵ الی ۹ نفر است؟ ۳- آیا حداکثر مدیران غیر موظف ۴ نفر است؟ ۴- آیا رئیس هیات مدیره و مدیر عامل یکی نیست؟ ۵- آیا دوره مدیریت محدود شده است؟
۸	مدیریت دارایی ها و نقدینگی	۱- آیا بنا به گزارش حسابرس از کلیه دارایی های بانک استفاده بهینه می شود؟ ۲- آیا بخش زیادی از مطالبات از افراد خاصی نیست؟ ۳- آیا نقدینگی بانک کفاف ایفای تعهدات بانک را در سال جاری می نماید؟ این موضوع از طریق گزارش حسابرس تعیین می گردد)

چنانچه پاسخ هر سؤال بله باشد امتیاز ۱ و خیر باشد امتیاز صفر داده می شود. جمع امتیازها بر عدد ۲۱ تقسیم می شود. عدد حاصله امتیاز حاکمیت شرکتی سال - شرکت مورد نظر است.

متغیرهای کنترلی

اندازه بانک (SIZE): این متغیر بزرگ بودن یا کوچک بودن بانک ها را نشان می دهد. اندازه بانک اهمیت بسیاری برای کمیته بال و سایر ارگان های مقرراتی بین المللی در جهان دارد. اندازه بانک از طریق لگاریتم طبیعی دارایی های پایان دوره به دست خواهد آمد.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (M/B): یکی دیگر از متغیرهای کنترلی مورد نظر می باشد و از تقسیم ارزش بازار بر ارزش دفتری سهام بانک به دست خواهد آمد.

اهرم مالی (LEV): این متغیر کنترلی از تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها به دست خواهد آمد.
سودآوری (P): شاخص های سودآوری مورد استفاده برای بانک ها در این پژوهش همان نسبت سود پرداختی (درصد سود تقسیمی) است که از تقسیم سود تقسیمی هر سهم به سود هر سهم به دست می آید.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۲ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل های تحقیق را نشان می دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر واریانس، چولگی و کشیدگی است.

جدول ۲. آماره های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر/آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آماره جارک- برا	سطح معنی داری
عملکرد	۱/۴۸	۱/۱۳	۷/۳	-۲/۸۳	۱/۵۴	۰/۸۴	۴/۴۶	۲۰/۷	۰/۰۰۰۰
ریسک نقدینگی	۱/۱۶	۰/۳۵	۳۰/۲	۰	۳/۵۳	۶/۳	۴۸/۶	۹۳۴۰/۱	۰/۰۰۰۰
ریسک اعتباری	۱/۹۳	۰	۳۷/۸	۰	۶/۱۶	۳/۶۴	۱۶/۸	۱۰۱۲/۳۳	۰/۰۰۰۰
نظام راهبری	۰/۶۶	۰/۶۶	۰/۸۰۹	۰/۴۲	۰/۰۷	-۰/۸۳	۴/۱۴	۱۷/۱۷	۰/۰۰۰۱
اندازه	۱۸/۷۵۴	۱۸/۷۵۲	۲۱/۲۹	۱۵/۱۴	۱/۳۹	-۰/۴۶	۲/۷۸	۳/۸۳	۰/۱۴۶
ارزش بازار به دفتری	۱/۱۷	۱/۱۵	۳/۳۵	-۱/۱۷	۰/۶۲	۰/۱۲۳	۵/۴۰	۲۴/۴۱	۰/۰۰۰
سودآوری	۰/۳۸	۰/۳۶	۲/۱	۰	۰/۴۰۴	۱/۱۲	۴/۹۳	۳۶/۷۸	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۲۱	۰/۲۵	-۲/۵۳	۸/۱۷	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰
مشاهدات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در جدول ۲ تعداد مشاهدات برای هر متغیر برابر با ۱۰۰ مشاهده است. مهمترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست و نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به هر متغیر حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد و مشخص می کند که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. پارامترهای پراکندگی، به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله مهمترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقایسه مقدار این پارامتر برای متغیرها نشان دهنده بیشترین و یا کمترین میزان پراکندگی می باشند.

تجزیه تحلیل مدل اصلی جهت آزمون فرضیه های تحقیق

به منظور آزمون فرضیه های تحقیق، مدل های اصلی تحقیق برآورد می گردد. لذا، ابتدا به منظور انتخاب بین روش های داده های تابلویی و داده های تلفیقی از "آزمون چاو استفاده می شود. اگر احتمال محاسبه شده بیشتر از سطح خطای ۵ درصد باشد از داده های تلفیقی و در غیر این صورت از داده های تابلویی استفاده خواهد شد که نتایج به شرح زیر است:

جدول ۳. آزمون اف لیمر (چاو)

مدل اصلی	آماره	مقدار	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل ۱	چاو	۵/۹۱	۰/۰۰۰	پانل
مدل ۲	چاو	۵/۶۹	۰/۰۰۰	پانل

با توجه به این که احتمال آماره به دست آمده از آزمون چاو در مدل پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده های پانل استفاده خواهد شد.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره	مقدار	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل ۱	آماره هاسمن (اثرات مقطعی)	۱۸/۲۹	۰/۰۰۵	اثرات ثابت
مدل ۲	آماره هاسمن (اثرات مقطعی)	۱۶/۴۹	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

یافته های تحقیق

نتایج آزمون فرضیه های اول و سوم تحقیق به شرح زیر است:

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه های اول و سوم

متغیر وابسته: عملکرد مالی			
متغیر	ضریب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدا	۲۵/۵۵	۱۰/۳۳	۰/۰۰۰
ریسک نقدینگی	-۰/۰۳۶	-۲/۱۹	۰/۰۳۵
ریسک اعتباری	۰/۰۲۳	۰/۸۸	۰/۲۷۵
اندازه	-۱/۲۹	-۱۰/۰۶	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به دفتری	-۰/۱۱	-۷/۷۹	۰/۴۳۱
سودآوری	۰/۰۷۹	۰/۳۴	۰/۳۲۴
اهرم مالی	۰/۳۹	۲/۵۳	۰/۰۱۳

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LR + \beta_2 CR + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 M/B_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 P_{it} + \epsilon_0$$

اثر تعدیل کنندگی نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی...

۱۰۷.

ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۶۳	ضریب تعیین ۰/۶۵	
احتمال آماره F ۰/۰۰۰	۲۷/۳۳	آماره F ۱/۸۰

نتایج برازش مدل اول در جدول ۵ نشان می دهد که احتمال آماره F آزمون کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می دهد در نتیجه می توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده این مدل تقریباً ۰/۶۳ است. این عدد نشان می دهد که ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره دوربین- واتسون این مدل بین ۱/۵ و ۲/۵ است (۱/۸)، می توان گفت که در این مدل خود همبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). احتمال آماره محاسبه شده برای متغیر مستقل که نشان دهنده رابطه بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانکها است، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آن متغیر (۰/۰۳۶-) و منفی می باشد. در نتیجه می توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته ارتباط منفی و معنی دار دارد و حاکی از تأیید فرضیه اول می باشد. به عبارت دیگر بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم تحقیق بیان می کند که ریسک اعتباری با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه دارد. همان گونه که نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می دهد، احتمال آماره محاسبه شده برای متغیر مستقل که نشان دهنده رابطه بین ریسک اعتباری با عملکرد بانکها است، بیشتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده ی آن متغیر (۰/۰۲۳) می باشد. در نتیجه می توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته ارتباط معنی داری ندارد و حاکی از عدم تأیید فرضیه سوم می باشد. به عبارت دیگر بین ریسک اعتباری با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود ندارد. از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت رابطه منفی و اهرم مالی رابطه مثبت و معنی داری با عملکرد دارند.

نتیجه برازش مدل دوم برای آزمون فرضیه های دوم و چهارم به شرح جدول ۶ می باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه های دوم و چهارم

$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LR_{it} + \beta_2 CR_{it} + \beta_3 CG_{it} + \beta_4 LR_{it} * CG_{it} + \beta_5 CR_{it} * CG_{it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 M/B_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 P_{it} + \epsilon_0$			
متغیر وابسته: عملکرد مالی			
متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	معنی داری
عرض از مبدا	۷۵/۲۱	۷/۵۹	۰/۰۰۰
ریسک نقدینگی	-۰/۳۶	-۲/۲۲	۰/۰۲۳
ریسک اعتباری	۰/۰۵۲	۰/۳۵	۰/۷۲

متغیر وابسته: عملکرد مالی			
متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	معنی داری
نظام راهبری	۵/۰۶	۳/۴۶	۰/۰۰۰۹
نظام راهبری*ریسک نقدینگی	۰/۴۸	۱/۱	۰/۰۰۵
نظام راهبری*ریسک اعتباری	-۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۹۲
اندازه	-۱/۲۷	-۹/۷۱	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به دفتری	-۰/۱۱	-۰/۹	۰/۳۶۶
سودآوری	۰/۱۷	۰/۸۰۸	۰/۴۲۱
اهرم مالی	۰/۲۱	۱/۶۱	۰/۲۴۹
ضریب تعیین		۰/۸۹	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۴	
آماره دوربین واتسون	۱/۹۰	آماره F	۲۰/۷۸
احتمال واتسون		F	
۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰	

فرضیه دوم تحقیق بیان می کند که نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل کنندگی دارد. همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می دهد، احتمال آماره محاسبه شده برای متغیر مستقل که نشان دهنده تاثیر نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده ی آن متغیر (۰/۴۸) و مثبت می باشد. در نتیجه می توان اظهار داشت که نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی و عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر مثبت و معنی داری دارد لذا فرضیه دوم تایید می شود.

فرضیه چهارم بیان می کند که نظام راهبری بر رابطه بین ریسک اعتباری با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل کنندگی دارد. همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می دهد، احتمال آماره محاسبه شده برای متغیر مستقل که نشان دهنده تاثیر نظام راهبری بر رابطه بین ریسک اعتباری با عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، بیشتر از سطح خطای ۵ درصد می باشد. در نتیجه می توان اظهار داشت که نظام راهبری بر رابطه بین ریسک اعتباری و عملکرد بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر ندارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج فرضیه اول نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد با خطای ۵ درصد ریسک نقدینگی با عملکرد بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط منفی و معناداری دارد یعنی با افزایش

ریسک نقدینگی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بازده داراییهای آنها کاهش می‌یابد. می‌توان استدلال کرد در صورت عدم مدیریت وجوه نقد، ریسک نقدینگی افزایش یافته و در نتیجه سوء مدیریت، از داراییها استفاده بهینه نشده و بازده داراییها کاهش می‌یابند. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق شیرینی و همکاران [۹] و جانگ و تینک [۱۷] می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه دوم حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد با خطای ۵ درصد نظام راهبری بر رابطه بین ریسک نقدینگی و عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر مثبت و معناداری دارد. این امر نشان می‌دهد که با اعمال نظام راهبری، رابطه منفی بین ریسک نقدینگی و عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تقویت می‌شود. چرا که اعمال نظام راهبری با توجه به تئوری نمایندگی و جدایی کنترل از مالکیت توسط بانک مرکزی و عوامل دیگر ریسک نقدینگی کاهش یافته و سبب افزایش بازده داراییها شده و عملکرد بانک‌ها بهبود می‌یابد؛ که این امر با ادبیات نظری مطابقت دارد. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق فردوسی و فطرس [۱۰] و جانگ و تینک [۱۷] می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه سوم بیانگر آن است بین ریسک اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد. در اغلب بانک‌های مورد پژوهش تسهیلات در دوره‌هایی بعلا عواملی چون بالا بودن معوقات و عدم دسترسی به منابع کم می‌باشد و این می‌تواند یکی از علل عدم وجود رابطه بین ریسک اعتباری و عملکرد بانک‌ها باشد. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق شیرینی و همکاران [۹] و جانگ و تینک [۱۷] می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ۵ درصد نظام راهبری بر رابطه بین ریسک اعتباری با عملکرد بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر معناداری ندارد.

با توجه به نتایج بدست آمده آزمون فرضیه‌های اول به بانک‌ها توصیه می‌شود که با اعمال مدیریت وجوه نقد و مدیریت ریسک نقدینگی، بازده داراییها افزایش داده تا عملکرد بهتری داشته باشند. همچنین توصیه می‌گردد که اصول نظام راهبری را بیشتر از قبل رعایت نمایند چرا که بازده داراییهای بیشتر و عملکرد بهتری را در نتیجه مدیریت و کاهش ریسک نقدینگی تجربه خواهند نمود. به نهادهای نظارتی پیشنهاد می‌گردد تا با الزامات بیشتری بانک‌ها را موظف به عمل در چهارچوب نظام راهبری نمایند تا بازده داراییها و عملکرد بانک‌ها که در نتیجه مدیریت صحیح ریسک نقدینگی است، بهبود یابد. برای غنی‌سازی ادبیات این حوزه پژوهشی، پیشنهادات مطالعاتی زیر در زمینه موضوع پژوهش به محققان توصیه می‌شود:

۱- از آنجایی که انتظار می‌رود عوامل تأثیرگذار بر عملکرد بانک‌ها متفاوت از عوامل موضوع بحث این تحقیق باشد، لذا به محققین پیشنهاد می‌گردد که جهت کسب نتیجه مطلوب‌تر تا حد امکان کلیه عوامل تأثیرگذار بر ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری و عملکرد بانک‌ها و دیگر ریسک‌ها را به صورت توأم در یک مدل مورد بررسی قرار دهند.

۲- پیشنهاد می‌شود که دیگر معیارهای مالی و غیر مالی جهت ارزیابی عملکرد بانک‌ها مانند بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه، سود آوری، سهم جذب منابع (معیارهای مالی) و کیفیت خدمات، بانکداری الکترونیک، قیمت گذاری (معیارهای غیرمالی) استفاده گردد.

فهرست منابع

۱. احمدی، نرگس (۱۳۹۴). اصول ۱۴ گانه برای بهبود حاکمیت شرکتی " کمیته نظارت بانکی بال (بازل)، کمیته بین المللی تسویه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری.
۲. رجبی، زینب؛ کرمی، وحید؛ لامعی، بهزاد؛ واشقانی فراهانی، بهزاد (۱۳۹۳). رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها " ژوئیه ۲۰۱۵. کمیته نظارت بانکی بال (بازل)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری.
۳. بزرگ اصل، موسی، صمدی، محمد تقی و فرخ برزیده (۱۳۹۶). رابطه بین ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری و تاثیر آن بر ناپایداری مالی در صنعت بانکداری ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی. دوره ۱۰، شماره ۳۳، صص ۵۳۱-۵۰۹.
۴. تقوی، مهدی، احمدیان، اعظم و مهران کیانوند (۱۳۹۲). تحلیلی بر تاثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشور های در حال توسعه (با تاکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. سال ۶، شمار ۱۹.
۵. حاجیها، زهره و نیره بخشی (۱۳۹۶). بررسی رابطه اطلاعات حسابداری و ریسک اعتباری در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی. شماره ۲۴، صص ۶۸-۵۳.
۶. دارابی، رویا و غزاله مشایخی (۱۳۹۵). تاثیر هوش مالی در پیش بینی ریسک اعتباری با استفاده از مدل ماشین بردار پشتیبان، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی. انجمن حسابداری ایران، شماره ۳۰، صص ۱۲۵-۱۰۲.
۷. رحیمیان، نظام الدین، محمدی، حمید و معصومه صالحی راد (۱۳۹۲). نقش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌ها، بررسی های حسابداری، دوره ۱. شماره ۱. صص ۹۷-۱۱۷.
۸. روشندل، محمد (۱۳۸۶). راه کارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانک داری ایران، گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۹. شیرینی، اردشیر، اشراقی سامانی، رویا، محمدی، یادگار و غلامرضا جعفری نیا (۱۳۹۵). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌ها (مطالعه موردی: بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران). **ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری**، شماره ۳۵، صص ۷۷-۵۵.
۱۰. فردوسی، مهدی و محمد حسن فطرس (۱۳۹۶). اثرات ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر عملکرد بانک‌ها. **مدلسازی ریسک و مهندسی مالی**، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۱-۲۲.
۱۱. فرزین‌وش، اسداله، دادگر، یدالله، مهرآرا، محسن و ابوالفضل نجارزاده (۱۳۹۶). نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، دوره ۲۵، صص ۳۱۰-۲۶۱.
۱۲. محسنی فر، امیر حسین (۱۳۹۶). حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی. **پژوهشکده پولی و بانکی**، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. وکیلی فرد، حمید رضا، ثنائی، غلامرضا و افشین احمدی لویه (۱۳۹۷). اثر ساختار سرمایه بر هزینه سرمایه، خالص جریان‌های نقدی و ارزش بازار بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲۵، صص ۴۸-۳۵.
۱۴. نمازی، محمد و دریائی، عباسعلی (۱۳۹۵). پیش‌بینی نرخ حاکمیت شرکتی با استفاده از شبکه‌های عصبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه دانش حسابرسی**، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صص ۲۰-۵.
15. Aebi, v., sabato, G., & schmid, M. (2015). "Risk management, corporate governance, and bank performance in the financial crisis. Financial markets". **Institutions and instruments**, vol.10 No. 5. PP 277-323.
16. Diaz, v, & huang, y. (2017). "The role of Governance on bank liquidity creation Indian", **Journal of Economics and Business**, Vol. 3, PP.164-147.
17. Jung Chen, H., & ting ling., G. (2016). "How do banks make the trade-offs among risks?", **Journal of Financial Services Research**, Vol.22 (3), PP. 203-224.
18. Mollah, S., & liljebloom, E. (2016). "Governance and bank characteristics in the credit and sovereign debt crises-the impact of CEO power". **Journal of econometrics**, Vol. 68(1), PP. 29-51.



The Moderating Effect of Corporate Governance on the relationship between Liquidity and Credit Risk with the Performance of Banks

Mehdi Maranjory (PhD)¹©

Department of Accounting, chalous Branch, Islamic Azad University, chalous, Iran

(Received: February 5, 2021; Accepted: May 24, 2021)

The purpose of this study was to investigate the effect of corporate governance on the relationship between liquidity risk and credit with the performance of banks accepted in Tehran Stock Exchange. In line with this goal, 10 banks were selected as examples during the 2018-2014 periods. To test the hypotheses, multivariate regression and t-test based on hybrid data have been used. The results of this study showed that there is a significant negative relationship between liquidity risk and the performance of the banks admitted in the stock exchange. In addition, there is no significant relationship between credit risk and bank performance. Then, the effect of corporate governance on the relationship between liquidity risk and credit with the performance of banks accepted in the stock market was investigated. The results indicate that corporate governance has a positive and significant effect on the relationship between liquidity risk and the performance of banks admitted in the stock market; also, corporate governance has a positive effect on the relationship between credit risk and the performance of banks accepted in the Tehran Stock Exchange.

Keywords: Corporate Governance, Liquidity Risk, Credit Risk.

¹ Mr. Maranjory@gmail.com ©(Corresponding Author)